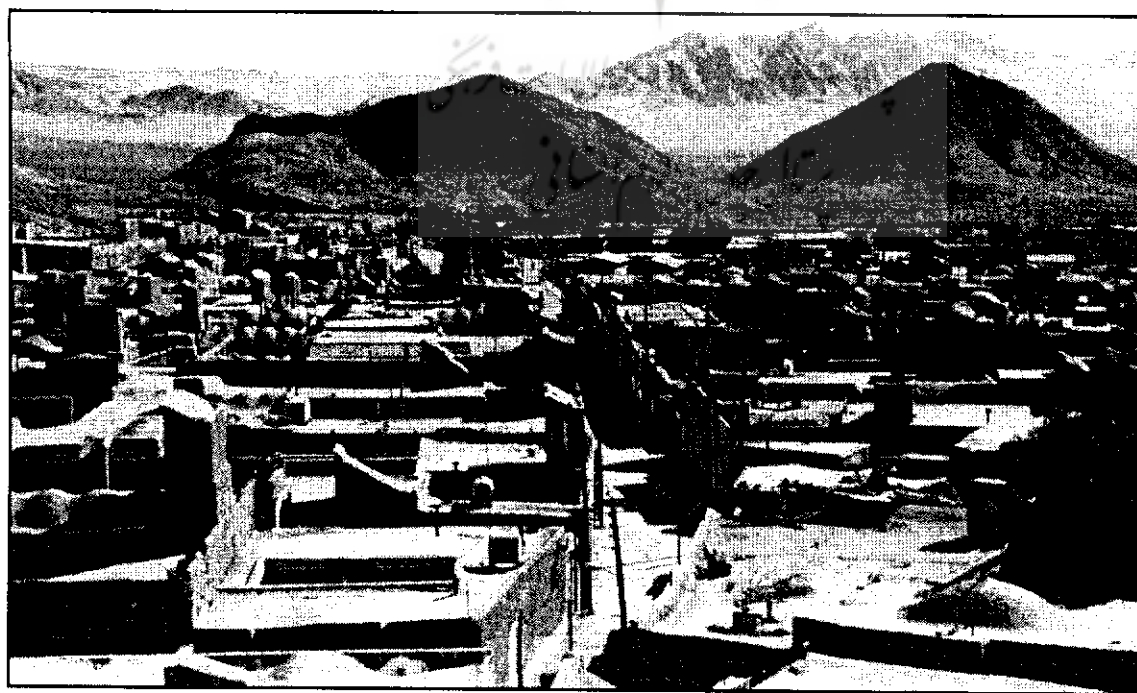
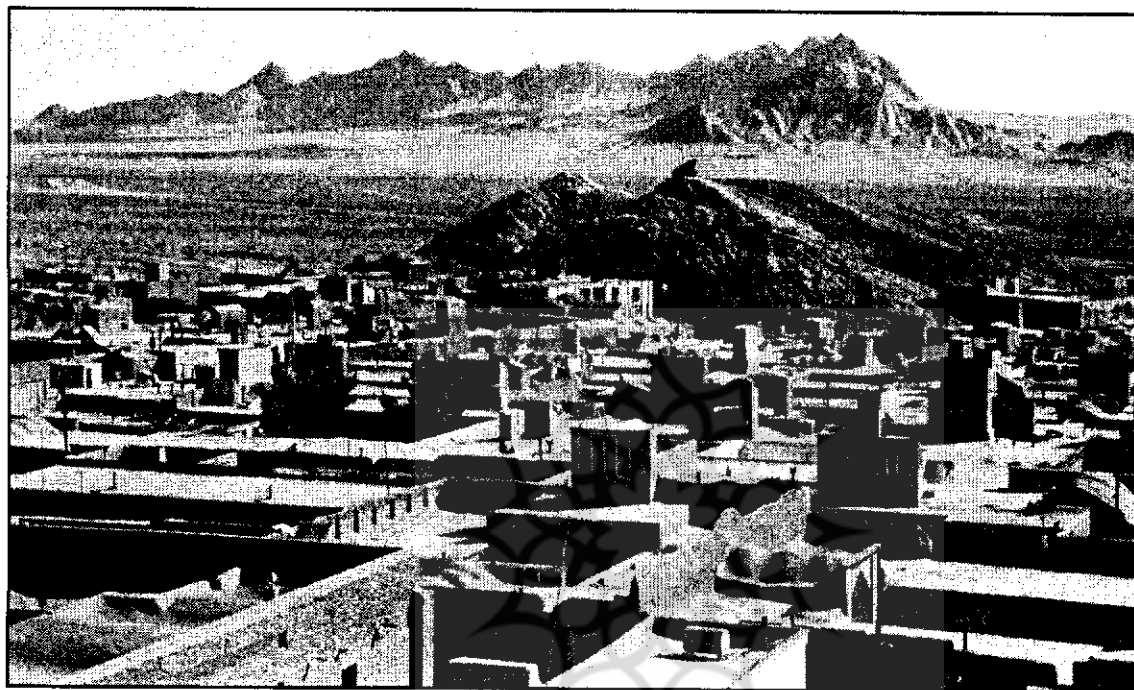


انارک



یاقوت کویر

فریبا سعیدی

مقدمه

گذر زمان تنها یاد و خاطره‌ای از آنها باقی مانده و برخی دیگر از قیل فن آوری روز و ایجاد امکانات رفاهی و توسعه‌های شهری ساکت و خاموش در اجرای طرحهای هادی از بین می‌روند و همراه با خود اصالتها و ارزشهای اصیل بافت‌های زیبا و دلنشین روستایی را به دیار عدم می‌برند.

شاید به جرأت بتوان گفت در این میان به آثار روستاهای حاشیه کویر بیشتر ظلم شده، زیرا به لحاظ موقعیت جغرافیایی خاص خود کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. هر چند کویر در سکوت و برهوت خود اسرار بسیاری را پنهان نموده و چه بسا بسیاری از وقایع تلخ و شیرین تاریخ این سرزمین را در دل خود جای داده است. هنوز هم صدای زنگ کاروان شتران و آرامش خاطر خستگانی که در پناه آب انباری و یا کاروانسرای اتراق نموده‌اند، در جای‌جای کویر مترنم است. شبهای پرستاره و نسیم خنک بادگیرها هرگز از یاد مسافر شیفته کویر نخواهد رفت و آنچنان می‌شود که دکتر آلفونس گابریل می‌نویسد: «کویر کسی را که یک بار گرفتار افسونش شده باشد، رها نمی‌کند».

موقعیت جغرافیایی

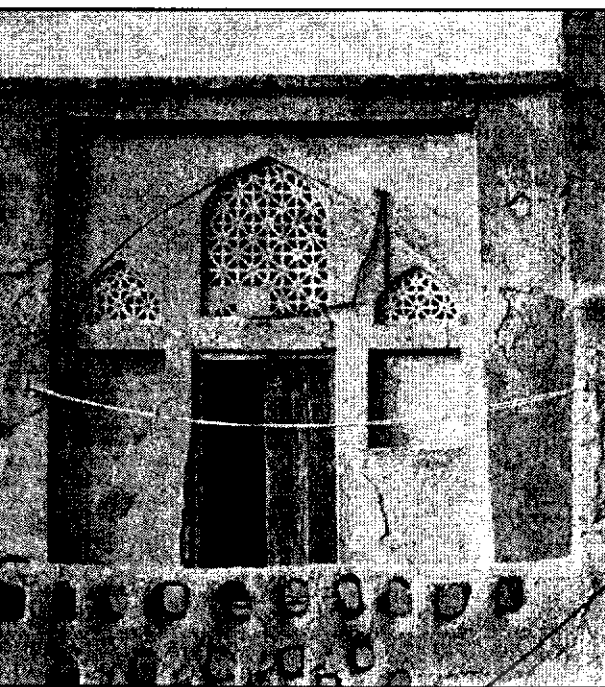
در تقسیمات کشوری انارک یکی از بخشهای شهرستان نایین در استان اصفهان است. این شهر به طول ۵۳ درجه و ۴۲ دقیقه شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و در عرض ۳۳ درجه و ۱۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی از خط استوا واقع شده است. فاصله آن تا اصفهان ۲۲۰ کیلومتر و تا نایین مرکز شهرستان ۷۶ کیلومتر است و در شمال شرقی استان اصفهان و شهرستان نایین است. ارتفاع انارک از سطح دریا

«کویرها جاذبه خاص خود را دارند و این مناطق بی‌روح که معیارهای انسانی را به تمسخر گرفته‌اند، تأثیر عظیمی بر مشاهدات و تفکرات می‌گذارند. دنیایی که ما در جست‌وجویش بودیم به‌سان ستاره‌ای تنها، بی‌حرکت و رها از هر گونه مسائل گذرا، فرا سوی مرگ و زندگی قرار دارد. برای کسانی که با او بیگانه‌اند مفهومی جز بیم و هراس ندارد و در قلب کسی که با زیبایی‌ها و هراسهای آشنا شده، شوقی غیرقابل تسکین برای بازگشت دوباره جا داده است. کویر کسی را که یک بار گرفتار افسونش شده باشد، رها نمی‌کند»^۱

استان اصفهان از شمال، شمال شرقی و شرق با کویرها و نیمه کویرها احاطه شده است، و شهر اصفهان از این موقعیت حاشیه کویری مستثنی نیست، با این حال همیشه جایگاه خاصی در تاریخ هنر معماری ایران داشته است. دو عامل مهم که باعث رشد و رونق این شهر شده عبارت‌اند از وجود زاینده‌رود که همانند شاهرگ حیاتی نقش عمده‌ای را در اسکان و فرهنگ و تمدن ایفا نموده است و دلیل عمده دیگر موقعیت مرکزی آن است که در میان راههای بازرگانی مهم شرق و غرب و شمال و جنوب قرار گرفته است. با حضور دولتهای نیرومند سلجوقی و سپس صفوی در اصفهان این شهر تبدیل به یک مرکز بزرگ اقتصادی، اداری، مذهبی و علمی گردید که پیامد آن ایجاد بناهای سلطنتی، تجاری، مدارس، کاروانسراها و سایر بناهای عام‌المنفعه گردید.

شکوه، زیبایی، کثرت و تنوع بنا با کاربردهای متفاوت توجه همگان را اعم از معماران، باستان‌شناسان، هنرشناسان و سایر دست‌اندرکاران به خود جلب نموده و بدین لحاظ معماری روستایی به‌خصوص کویری در حاشیه قرار گرفته و بعضاً در غبار فراموشی تبدیل به ویرانه‌هایی گردیده‌اند که در

۱- آلفونس گابریل، عبور از صحاری ایران، ص ۱۱.



۱۴۷۵ متر است. بدین ترتیب انارک ۱۰۰ متر کوتاهتر از بلندی اصفهان نسبت به سطح آبهای خلیج فارس است. مساحت این شهر حدود ۷۹/۷۲۴ هکتار است.

راههای انارک به اردستان، ناین و اصفهان، راههای ارتباطی این شهر با مراکز دیگر به شمار می رود. راه آهن کاشان - یزد از میان دشتی می گذرد که در غرب انارک است. این شهر از طریق جاده ترانزیتی طریق الرضا به استان خراسان و از طریق راه بندرعباس که در آینده احداث خواهد شد و تا استان سمنان ادامه می یابد با شمال و جنوب کشور ارتباط پیدا خواهد کرد.

انارک از شمال به کویر لوت، از جنوب به اردکان یزد و از غرب به شهرهای ناین، اردستان و اصفهان محدود می شود. از شمال به فاصله ۶ کیلومتر به امتداد رشته کوههای آهکی دره انجیر، از طرف مشرق به کوهستانهای متصل به رشته های شمالی، از جنوب به یک رشته کوهستان کم ارتفاع به نام کوه لاک و جفت و از غرب به دشت هموار و پوشیده از شنهای سیاه رنگ محدود می شود.

این شهر به علت واقع شدن در حاشیه کویر مرکزی دارای هوایی گرم و خشک است. شدت تبخیرش فراوان و اختلاف درجه حرارت شب و روزش در فصول مختلف محسوس می باشد. رطوبت نسبی آن بسیار کم، بارندگی اش اندک و تابستانش بی باران و طولانی است.

پیشینه تاریخی

انارک با موقعیت جغرافیایی ویژه ای که دارد با وجود کمبود زمینهای زیر کشت و آب و خاک خوب برای کشاورزی همچنان در سالهای متمادی پابرجا و زنده مانده و مقدار کمی گسترش پیدا کرده است.

در قرون گذشته این شهر شاید واحه ای بر سر راه معدن نقره نخلک بوده است. سپس در دوره های بعد که معدن نخلک استخراج نمی شد و متروک گشته بوده انارک یک شهر ارتباطی بین جنوب و مرکز ایران به شمال یعنی از ناین به انارک و خور و طبس و مشهد بوده است.



«دژ، آتشگاه و چهار طاق نخلک، بقایایی از یک آبادی معدنچیان دوره ساسانی است... برای رسیدن به این محل بهترین راه این است که از ناین و از طریق انارک حرکت کرده (۷۳ کیلومتر) پس از گذشتن از انارک در ۷۵ کیلومتر به سمت شمال بیچیم و از استپاله کم ارتفاع کوه انجیل اشمن که در شمال انارک واقع است عبور کنیم»^۲.

«امروزه معادن بسیار غنی سرب کوه نخلک در درجه اول اهمیت قرار دارد، ولی در زمانهای قدیم ظاهراً نقره که همراه سرب یافت می شود علت اصلی تأسیس معدن در این محل بوده است...

بالاخره بنای دو دژ در این مکان نیز احتمالاً برای حفظ محصول ارزشمند این معدن بوده است. هر چند که در وهله اول تأسیس استحکامات نظامی در مرکز مملکت و آن هم در زمانی که حکومت شالوده محکمی داشته است بعید به نظر می رسد، ولی لزوم انبار کردن فلز قیمتی در کناره کویر وسیعی که با وجود تسلط کامل از امنیت مطلق برخوردار نمی بوده، تأسیس دو دژ و گماردن سربازان را توجیه می کند»^۳.

هیأت آلمانی بر اساس نمونه برداری و انجام آزمایشهای کربن ۱۴ از مجموعه بناهای نخلک به نتایج جالبی دست یافته که قابل ذکر است.

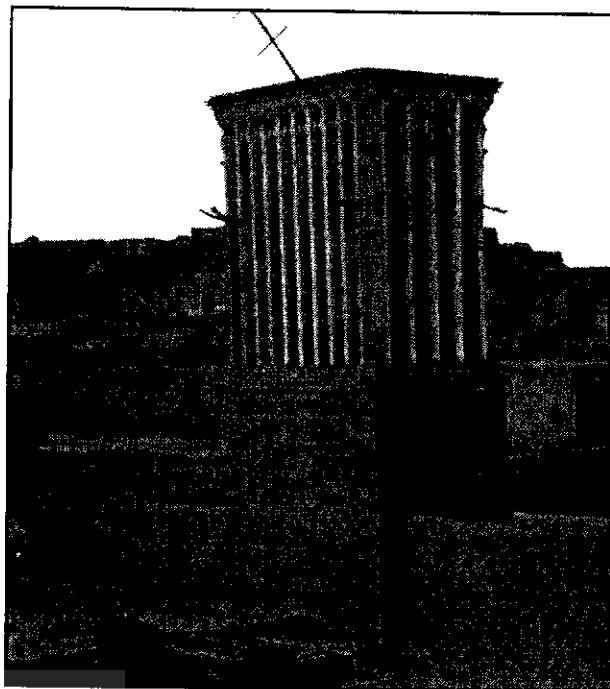
بر اساس تعیین سن اشیائی که با این روش به دست آمده است نتایج زیر حاصل می شود:

- ۱- تأسیسات معدن در دوره های قبل از ساسانی، حداقل در دوره اشکانیان دایر بوده است... آثار کند و کاوی که امروزه هم پیداست، نشان می دهد که ابتدا در سراسر دامنه شمالی کوه نخلک در جست و جوی نقره بوده و پس از مدتی به تدریج به درون کوه راه یافته اند. با توجه به این مطلب از آنجا که نمونه یک (یک قطعه چوب) از زیرزمین به دست آمده است می توان گمان برد که شروع استخراج معدن در زمانهای قبل از میلاد بوده است.
- ۲- در صورت تأیید تعلق بناهای نخلک به اواسط قرن

۲- هیأت باستان شناسان آلمانی، گزارشهای باستان شناسی در

ایران، ص ۴۰۳.

۳- همان، ص ۳۰-۲۲۹. ۴- همان، ص ۴۳۷.



دوم میلادی، آتشگاه اولین چارطاقی و دژ اولین قلعه نظامی اشکانی خواهد بود که زمان احداث آن با اطمینان تعیین می‌شود.^۵

وجود «انارک متروکه» در غرب نخلک بر روی نقشه سازمان جغرافیایی، شاید مؤید اسکان معدنچیان در این محل باشد. اینکه در چه زمانی و به چه دلیلی این تغییر مکانی صورت پذیرفته جای بحث فراوان دارد. اما شاید به احتمال قوی بتوان گفت تعطیل شدن و متروک ماندن معدن نخلک باعث این مهاجرت و جابه‌جایی شده است. شایان ذکر است که محل دقیق انارک متروکه هنوز حتی برای انارکیان نیز مشخص نیست.

اینکه از چه زمانی انارک به صورت یک آبادی با بافت معماری کنونی ساخته شده است اطلاع دقیقی در دست نیست و بیشتر اطلاعات ما راجع به پیشینه تاریخی آن مستند به نقل قول‌هاست: «بنای اولین خشت انارک را به محمد پهلوان نسبت می‌دهند که به اعتبار سخنی منقول، در زمان شاه عباس اول می‌زیسته است، نه زندگی‌اش را اثری و نه مرگش را نشانه‌ای است. از برج و بارو و در و دروازه‌هایش پیداست که روزگار خوشی را پشت سر نهاده است. چشم طمع یاغیان همواره به دنبالش بوده و خاکش گاه و بیگاه لگدکوب غارتگران تفتنگ به دوش گردیده است. کوچه و پس‌کوچه‌های پریچ و خم و باریک آن از سواران نایب حسین کاشی و دار و دسته علی ورامینی سخن یاد می‌کند و دندانه هر برج و روزنه شیب‌دار هر سنگفرش یاد دفاع دلیرانه نایب علی و تفتنگچیان جسور بومی را زنده می‌سازد».^۶

در سال ۱۸۷۵ میلادی کلنل مک گرگر، افسر ارتش انگلیس در عهد ملکه ویکتوریا به نواحی مشهد، سرخس، درگز، شاهرود و بخشی از شمال ایران سفر می‌کند. وی در گذر خود از بیابانک به نایب در توصیف مسیر خود از انارک یاد نموده، می‌نویسد: «انارک ۸ فرسنگ (از کاروانسرای مشجری) راه صاف و خوب است. انارک جای بزرگی است دارای ۱۰۰۰ خانوار و در دره‌ای میان ارتفاعات واقع شده و آب و آذوقه پیدا می‌شود».^۷

اسکار فن‌نیدر مایر سرپرست گروه عملیات ایران و افغانستان در طی جنگ جهانی اول در تلاش خود برای رسیدن به افغانستان از بیراهه‌ها و کویرهای ایران عبور کرده است. وی در یادداشتهای خود که در سالهای ۱۶-۱۹۱۵ به رشته تحریر درآورده در گذر از انارک چنین می‌نویسد: «انارک که بین کوههای صخره‌ای خدنگ و بی‌برگ و بار پناه گرفته بود، در زمان گذشته‌ای نه‌چندان دور آبادی متمکنی به شمار می‌آمد که عبور و مرور کاروانها - آن هم نه‌چندان کم - از آن انجام می‌گرفت. خشک شدن چند رگه اصلی آب و دستبردهای متعدد دزدان و راهزنان، اندک‌اندک سکنه را از آنجا راند و امروز فقط چند تن از شبانان در آن اقامت دارند».^۸

تنها سند معتبری که راجع به ساخت و سازهای انارک موجود است، مربوط به زمان میرزا تقی‌خان امیرکبیر است، مبنی بر پرداخت وجهی برای ساخت قلعه به منظور تأمین امنیت محل از دستبرد راهزنان. این نامه خطاب به ریش‌سفیدان انارک نوشته شده است:

«هو، عالیشانان کدخدایان و ریش‌سفیدان انارک را مرقوم میشود شما متقبل و متعهد شده بودید که مبلغ پانصد تومان از دیوان همایون گرفته در آنجا قلعه تعبیه نمایید و حکم بنده بود که نوکر جمازه‌سوار، بعالیجاه میرزا حسین‌خان بدهید از قراریکه معلوم و مذکور میشود وجه مسطور را از عالیجاه شیخ‌علی‌خان نایب‌الحکومه گرفته‌اید معذک قلعه را تا حال نساخته‌اید و نوکر جمازه‌سوار هم بعالیجاه مشارالیه نداده‌اید بالصراحه بشما مینویسم که به رسیدن همین نوشته اگر قلعه را نساختید و نوکر مذبور را ندادید محصل شدید از جانب دیوان همایون مأمور شده آمده شما را تنبیه و

۵- همان، ص ۴۳۶.

۶- محمدعلی ابراهیمی، ای نازتینه (= ای انارک، اشعار محلی انارکی)، ص ۹.

۷- کلنل سی.ام. مک گرگر، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در سال ۱۸۷۵، جلد دوم، ص ۱۹۳.

۸- اسکار نیدر مایر، زیر آفتاب سوزان ایران، ص ۴-۹۳.

تأدیب کرده و وجه مذکور را بالمضاعف از شما خواهد گرفت و مورد سیاست خواهید گشت البته در تعبیه قلعه و دادن نوکر تعلق و تساهل نورزید ما را چه کم شود «حرر فی شهر محرم الحرام ۱۲۶۷»^۹

از متن نامه چنین استنباط می‌شود که آنچه از بقایای حصار، دروازه و قلاع انارک باقی مانده، در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است، که این امر به همت یکی از عمده مالکان به نام حاج محمد صورت می‌پذیرد. پسر وی حاج حسن نیز از مالکان عمده منطقه بوده است که سون هدین سیاح سوئدی در کتاب *کویرهای ایران* از وی یاد می‌کند:

«دوست ما حاجی حسن، ثروتمندترین و پیرترین ساکن ده، مردی که ۵۷ سال دارد به ما اطمینان داد که نوار شنی هفت فرسخ به طرف شمال امتداد می‌یابد و بعد در حاشیه کویر، در کویر گم می‌شود».^{۱۰}

آنچه که مسلم است با پژوهشهای جسته گریخته و برخی نقل قول‌های نسبتاً معتبر، انارک از سده‌های پیش از میلاد به صورت آبادی کوچک حضور داشته و در گذر زمان در تلاطم و سکون حوادث تاریخی و محلی نبض حیات در آن گاه به صورت ضعیف و گاه با جریانی قویتر و زنده‌تر می‌تپیده است.

بافت معماری انارک

چندین عامل مهم در پیدایش شهر و در شکل‌گیری کالبد آن تعیین‌کننده بوده‌اند که می‌توان کوه‌های اطراف، آب و هوا، موقعیت چشمه آب و مصالح ساختمانی را نام برد. کوه‌های اطراف همواره به عنوان پناهگاه در مقابل بادهای گرم از طرف کویر و همچنین مهاجمان استفاده شده‌اند. حتی می‌توان یکی از دلایل مهم پیدایش و موجودیت شهر را وجود کوه‌های دربرگیرنده آن دانست که به صورت دژ نسبتاً محکمی از آن استفاده شده، به خصوص کوه‌های لاک و جفت که روی آن یک برج سنگی ساخته شده است.

«از دیوار گلی و کنگره دار دور آبادی، بیش از چند صد متری به‌جا نمانده است که هنوز بر سینه خود، زخم گلوله‌های سواران مهاجم نایب حسین را التیام نیافته حفظ می‌کند. برج کوه ناصرش^{۱۱} به همت جوانان غیرتمند آبادی تعمیر شده و دو برج دیگر^{۱۲} ساکت و

خاموش، سیلی خور رگبار بهاری و بازیچه کودکان برجای خویش مانده است، تا سند گویایی بر اطاعت اهالی از فرمان شادروان میرزا تقی‌خان امیرکبیر باشد که در محرم ۱۲۶۷ با خط خود، نامه‌ای خطاب به ریش سفیدان انارک نوشته و آنها را متوجه مسؤولیت خویش در تعبیه قلعه کرده است».^{۱۳}

کوچه‌های اصلی به صورت خط تراز اطراف این قلعه به وجود آمده‌اند و نسبتاً تنگ و در بعضی جاها سرپوشیده هستند. فرم تقسیم‌بندی باغها و کوچه‌های آن که بسیار تنگ و نقش آبرسانی به باغها را نیز داشته و دارند،^{۱۴} به صورت یک رشته خطوط منشعب از چشمه اصلی از محله غریب‌خانه^{۱۵} و پای آب شکل گرفته‌اند. از این برج و بارو و کوچه‌های بسیار باریک شهر روشن است که دلیل امنیتی و دفاعی داشته است. به خصوص در زمانهایی که مردم ناچار بوده‌اند در مقابل راهزنان و مهاجمان از شهرشان دفاع کنند.

«بافت قدیمی انارک هفت محله دارد: بیابانک، بیگ علی، حصار، عربها، سراب، قافله‌گاه و جویباره...»^{۱۶}

تقسیم‌بندی این محلات بر حسب موقعیت و وضعیت طبقاتی ساکنان، موقعیت مکانی در بافت شهر و کاربری فضاهای محلی صورت پذیرفته است.

۹- ای نارسینه، ص ۱۰، به نقل از ماهنامه فرهنگی و هنری کلک، شماره ۳۸، ص ۱۰۲.

۱۰- سون هدین، *کویرهای ایران*، ص ۲۷۱.

۱۱- برخی کوه شمالی انارک را کوه ناصری می‌دانند و برخی دیگر کوه جنوب غربی انارک را. مقصود نگارنده کتاب کوهی است که در نقشه کوه قلعه خوانده شده است.

۱۲- دو برج دیگر، برج حاجی عبدالرحیم و برج پیرمردان نام دارند.

۱۳- ای نارسینه، ص ۹-۱۰.

۱۴- افزایش جمعیت، و در نتیجه کمبود آب و دیگر عوامل محیطی- اهالی را مجبور به فروش آب زراعی کرد. پیامد این تحول اجباری، خشکیدن درختان، بایر شدن زمین و محروم شدن همه اهالی از سر درختی‌های موجود و نیز بی‌بهره ماندن مسافران، عابران و گردشگران، از لذت دیدن و حظ بردن از آن همه سرسبزی و خرمی آرمیده در باغات بود. ای نارسینه، ص ۲۳.

۱۵- محله غریب‌خانه در حال حاضر از بین رفته است.

۱۶- ای نارسینه، ص ۱۹.

هر یک از محلات زیر مجموعه‌هایی دارند که با احتساب آنها شاید محلات انارک بالغ بر بیست محله گردد که اسامی آنها مانند پای آب، گله بز، پاکوشو،^{۱۷} بازار، رباط و... را در بر می‌گیرد.

مجموعه بناهای عام‌المنفعه موجود در انارک در محله خاصی مرکزیت نیافته‌اند، این بناها شامل حمام، حسینیه، مسجد جامع (مسجد شیخی)، مسجد حاج محمدرضا و کاروانسرا می‌باشد. نیدر مایر در یادداشت‌های خود می‌نویسد:

«در میان این آبادی که روزگاری پیش به خوبی و سلیقه ساخته شده، در کنار میدان بزرگی کاروانسرای قرار داشت که گرداگرد آن در شعاعی بزرگ سایر خانه‌ها که قسمتی از آن ظاهراً متعلق به مردم چیزدار بود، به چشم می‌خورد. فقط این کاروانسرا مورد استفاده بود، در حالی که اغلب خانه‌های دیگر که در حیاط‌ها و بامهای آنها علف روییده بود غیرمسکون مانده بود. با وجود این از ویرانی کمتر اثری دیده می‌شد. بر فراز تمام بلندبها دورتا دور، برجهای دیده‌بانی و استحکامات کوچکتر وجود داشت که تقریباً تا تپه‌های دامنه کوه پیش می‌رفت و این محل را که خود به خود بر اثر وضع طبیعی‌اش محفوظ و محصور بود به قلعه‌ای که به آسانی قابل تسخیر نبود بدل می‌کرد. بدون تردید مردمی غنی‌تر و فهمیده‌تر به کار ساختن این آبادی علاقه‌مند بوده‌اند. آخر کوههای اطراف آبادی به علت داشتن معادن غنی شهرت داشته است، آن معادن امروز متروک و ویران است».^{۱۸}

مک گرگر در سال ۱۸۷۵ جمعیت انارک را ۱۰۰۰ خانوار قید می‌کند و در فاصله سالهای ۱۹۱۵-۱۶ نیدر مایر در سفر خود از آن به عنوان روستایی متروک یاد می‌کند.

«در سال ۱۳۱۰ هجری قمری [۱۸۹۱م]، وبا در انارک شیوع پیدا کرد. به قسمی که مردم برای گریز از ابتلای به آن، به بیابان و نقاط دوردست پناه بردند. با این حال عده‌ای تلف گشته، در قبرستانی به نام وبایی‌ها به خاک سپرده شدند».^{۱۹}

کاروانسرای انارک به سبک چهار ایوانی ساخته

شده است. سمت راست در ورودی در ضلع شرقی کاروانسرا بر روی یکی از دیوارهای بیرونی کاروانسرا کتیبه‌ای بدین مضمون بر روی سنگ مرمر به ابعاد ۸۰ × ۴۰ به خط نستعلیق معمولی وجود داشت.

حاج محمدعلی آن نیکزاد

منعم والاگهر خوش‌سرشت

طرفه رباطی ز مبرات خیر

ساخته از آب و گل و خاک و خشت

از پی تاریخ رباطش ز صدق

گفت حسینی و بهایی نوشت

ایزد بیچون به بهای رباط

داده به او محفل نیک از بهشت

«به لعنت خدا گرفتار باد کسی که شتر ناخوش و گور در این رباط بیاورد. (۱۳۰۱)»

با احتساب ماده تاریخ کتیبه چنین استنباط می‌شود که کاروانسرای فوق در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است. این کاروانسرا در حال حاضر در محله‌ای به همین نام رباط و در مجموعه بزرگتر محله بیک‌علی قرار گرفته است.

مسجد جامع (مسجد شیخی) و مسجد حاج محمدرضا در کنار چشمه آب انارک در محله سراب ساخته شده‌اند. وجه تسمیه مسجد حاج محمدرضا به نام بانی و سازنده آن است. تاریخ بنای آن بر اساس کتیبه‌ای که اکنون از بین رفته و به قولی روی آن گچ کشیده شده است، ۱۱۸۱ هجری قمری رقم خورده است. اخیراً جهت استحکام دیوارهای آجری مسجد آنها را با سنگ ساختمانی و سیمان تا ارتفاع دو متر روکش کرده‌اند که از اصالت و زیبایی آن به شدت کاسته شده است. در مجاورت آن شبستانی قرار دارد که در زمستان از آن استفاده می‌شود. کتیبه ذیل بر

۱۷- pakevšo در لفظ محلی به معنای کنار کشتزار است.

۱۸- زیر آفتاب سوزان ایران، ص ۹۴.

۱۹- ای نارسینه، پاورقی ص ۹۵. شاید علت این کاهش در جمعیت و آبادی انارک بروز این بیماری بوده است که باعث مهاجرت همیشگی بسیاری از ساکنان به اصفهان، تهران، شاهرود، سمنان و گنبد کاووس گردید.

روی محراب گچبری شده مسجد نوشته شده بود و حاوی آیات زیر است:

بانی این عرش برین، دارای این در ثمین
هم اسم خیرالمرسلین، هم نام شاه اولیا
جویی گر از بابش خبر، در کربلا شو جان سپر
فایض به فیض دادگر، هم اسم شاه دین رضا
این باب بین و این خلف، این مسجد و چندین شرف
نیکو نگر بر هر طرف، چون قصر جنات العلاء
خلوتگه کروبیان، قرب وصال عاشقان

معبود و عابد در امان، خلوتگه خاص خدا
از بهر تاریخش چنین، ساقی جنت زد رقم
باز ایزد بی چون دهد (او را بهشت اندر جزا)

۲۰ (۱۱۸۱)

حسینیه انارک نیز در محله سراب و در نزدیکی مسجد حاج محمدرضا واقع شده است. دور تا دور آن رواقهای زیبایی ساخته شده است که بر بالای تیزه هر قوس رواق یک عدد بشقاب سفال محلی آبی و سفید عهد قاجار به عنوان تزئین در دیوار تعبیه شده است. در برخی از رواقها بر روی دیوار داخلی رواق حدود شش عدد از بشقابهای آبی و سفید با ترکیب درهای کوچک چوبی تزئین ساده و در عین حال دلنشینی را به وجود آورده اند.

خانه‌های انارک از پلان واحد و خاصی پیروی نمی‌کند و بنا به اقتضای موقعیت مکانی و میزان زمین موجود ساخته شده است. اما عنصر واحد معماری در بیشتر خانه‌ها چه اعیانی و چه معمولی وجود بادگیر است. در خانه‌های بزرگ بادگیر معمولاً بر روی ایوان بزرگ که به آن صفه می‌گویند قرار دارد. در حالی که در خانه‌های کوچکتر این بادگیر بر روی یکی از اتاقها ساخته شده است. اتاقها در دو طرف حیاط به سبک طاق و چشمه ساخته شده‌اند. در بعضی از خانه‌ها سردر ورودی هست و سایر اجزای داخلی خانه مانند صفه یا طاق نماها با رسمی‌بندی‌های یزدی و تزیینات آجرکاری آراسته شده است. از آجرکاری مشبک به عنوان پنجره و نرده استفاده شده، فضاهای داخلی با اندود گچ سفید شده است. در اکثر موارد تمام اتاقها

دارای طاقچه هستند و در یک ضلع آن زیر طاقچه گنجه‌هایی با در چوبی ساخته شده است که در لفظ محلی به آن «کنده چو» می‌گویند در بعضی اتاقها که بیشتر زمستان از آن استفاده می‌شد گودالهای کوچکی ساخته می‌شد که به آن «کیلک» می‌گویند و در آن آتش می‌نهادند و هم نقش اجاق را داشته و هم بدان وسیله اتاقها را گرم نگه می‌داشتند و در برخی موارد در زمستان بر روی آن کرسی می‌گذاشتند.

بر اساس تحقیقات محلی بیشتر خانه‌های انارک به خصوص خانه‌های اعیانی به دست معماران یزدی و اردکانی ساخته شده است. متأسفانه در حال حاضر با افزایش روند مهاجرت و کمبود امکانات، انارک هر روز خالی‌تر و متروک‌تر می‌شود و با از بین رفتن نسلی که در آن زندگی می‌کنند، با عدم حضور سکنه و گرایش به سکونت در شهرک نوساز (واقع در غرب انارک) روند ویرانی و تخریب بافت قدیم هر چه بیشتر سرعت می‌گیرد.

منابع و مآخذ

ابراهیمی انارکی، محمدعلی. ای نارسینه، اشعار محلی انارکی، اصفهان؛ انتشارات یکتا، چاپ اول، ۱۳۷۸.

گابریل، آلفونس. عبور از صحاری ایران، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، مشهد؛ مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

گزارش تهیه طرح هادی انارک، دفتر فنی استانداری اصفهان، اردیبهشت ۱۳۷۳.

مک گرگر، کلنل سی.ام. شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در سال ۱۸۷۵، ج دوم، ترجمه اسدالله توکلی طبسی، مشهد؛ مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

نیدر مایر، اسکار. زیر آفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاوس جهانداری، انتشارات نقش جهان، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۳.

هدین، سون. کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجیبی، تهران؛ انتشارات توکا، چاپ اول، بهمن‌ماه ۱۳۵۵.

۲۰- ای نارسینه، ص ۱۸۵.